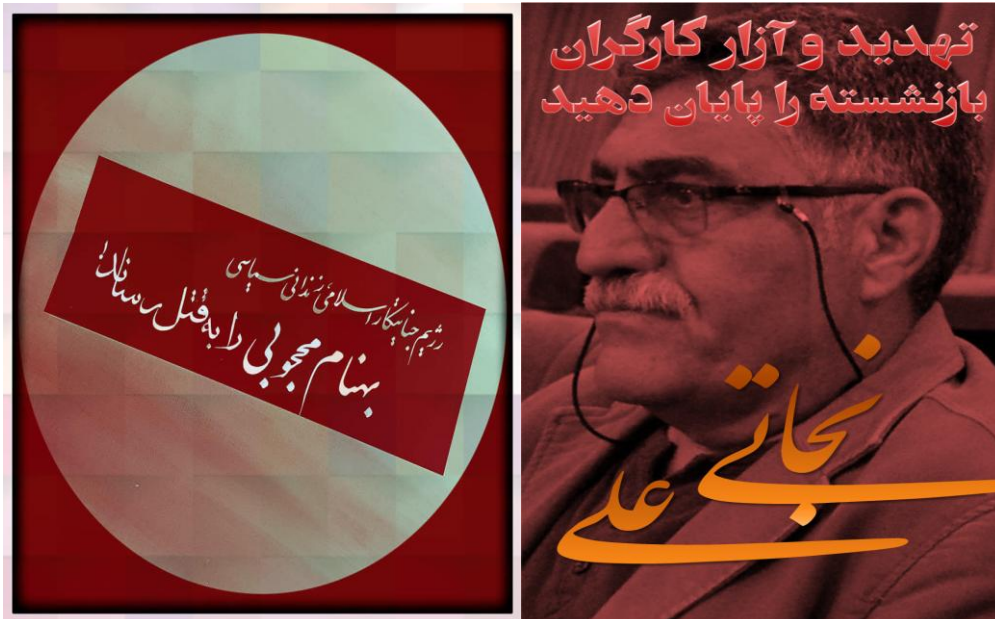


# گاو و خران بار بردار، به ز آدمیان مردم آزار!

امیر جواهری لنگرودی



نظامی که بر حیات مردم جامعه‌ی ما حکومت می‌کنند، عوامل کارگزارش روزی نیست که پیر و جوان را به بند نکشانند و خانواده‌ای را با رنج و تعب روبرو نسازند. امروز سیمای نگران مادری که خود را از کویر کرمان برای دیدن فرزند زندانی به تهران رسانده بود در سطح شبکه‌های مجازی بارها پخش و دیده شد. این حکومت فرزند آن مادر نگران، بهنام محجوبی را روز روشن، در درون زندان، به جرم باور و عقیده‌اش، آزار و شکنجه داده تا جایی که در زندان به کما رفت و جان سپرد، همچون دیگر جنایات شان به کسی نیز حساب پس نمی‌دهند!

زینب جلالیان قدیمی‌ترین زن زندانی را هم در شرایط کرونایی از زندانی به زندان دیگر، منتقل و جابه‌جا می‌کنند. اما همزمان شرایط سومین مرخصی شبنم نعمت زاده، دختر وزیر سابق، قاچاقچی و محکوم داروهای عمومی از زندان اوین را فراهم می‌آورند. شبنم نعمت زاده با دو پرونده‌ی فساد اقتصادی و قاچاق و احتکار دارو، یکی به ارزش یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و دیگری به ارزش پنج میلیارد تومان، با ۲۰ سال حکم زندان به مرخصی می‌رود، اما آتنا دائمی با پایان حبس خود حتی برای اعزام به بیمارستان، یکبار هم از زندان خارج نشده است. این ابلهان سگ را گشاده‌اند و سنگ را بسته‌اند.

احضار پشت احضار؛ دانشجویانی که به جرم سردادن شعار «فرزندن کارگرانیم، کنارشان می‌مانیم» امروز در این جا و آن جا با تهاجم کورکورانه و وحشت آفرینی به منازل و در خیابان‌ها، دستگیر و زندانی می‌شوند.

در شرایط سهمناک کرونایی، فعالان بازنشسته‌ی سندیکای کارگران شرکت واحد، آقایان داود رضوی، عطا باباخانی و علی قربانیان، با ابلاغیه‌ی شعبه‌ی ۲ دادرسی اوین، به پلیس امنیت احضار می‌شوند.

در ادامه‌ی اعمال فشار و بازداشت و احضارهای غیر قانونی و شرم‌آور، حکومت اینبار سراغ **علی نجاتی**، بازنشسته‌ی سندیکای نیشکر هفت تپه، که با وجود بیماری و عمل جراحی قلب باز و بنا بر گواهی پزشکی‌اش می‌باید سال‌های آینده را در آرامش و آسایش زندگی کند، رفته حساب بانکی‌اش را مسدود و در رابطه با پرونده‌ای که پیشتر مختومه اعلام شده، وی را مجدداً برای تحمل پنج سال حبس احضار کرده‌اند.

با توجه به فاجعه‌ی قتل بهنام محجوبی که با وجود بیماری و تأکید پزشکی بر آزادی وی از زندان که با ممانعت مسئولین حکومت، منجر به کشته شدن او شد، اکنون تماس با علی نجاتی از جانب اجرای احکام، برای اجرای حکم ۵ سال زندان، نشانه‌ی توحش و آدمی خواری این نظام اسلامی است که به وضوح قصد جان فعالین و زندانیان سیاسی را در این شرایط بحران کرونایی دارد.

به دلیل تشدید بیماری و حاد بودن وضعیت علی نجاتی، به تأیید پزشکی قانونی اهواز، به ویژه در شرایط حاد کرونایی جنوب کشور، او باید تحت معالجه‌ی مستمر و روزانه‌ی پزشکی و امور درمانی بیمارستانی باشد.

از دیگر سو و برای افزایش فشار بر این فعال بازنشسته‌ی کارگری، در حالی که هزینه‌های درمان و دارو به طور روزانه افزایش می‌یابد، مأموران زندان اوین در تماس با علی نجاتی، او را تهدید کردند که در صورت عدم حضور در این مرحله، حساب بانکی‌اش مسدود خواهد شد و مدتی بعد از این تماس، حساب بانکی او از طرف زندان اوین مسدود نمودند. چنانکه اشاره شد این درحالی‌ست که با پیگیری‌های به عمل آمده در شعبه‌ی یک اجرای احکام زندان اوین، مشخص شد که پرونده‌ی علی نجاتی و سپیده قلیان مربوط به اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه بوده که قبلاً مختومه اعلام شده بود.

زدان سرگردنه در هفت تپه که در تباری آشکار با اسدبیگی و شرکاء، تشویق امثال رضا رخشان و شورای اسلامی کار، تحت حمایت مقامات دولت روحانی و معاون دزد او اسحاق جهانگیری، در معیت دستگاه قضایی ابراهیم رئیسی، قاضی مرگ، انبارهای شکر هفت تپه را در برابر چشمان کارگران آن سامان خالی می‌کنند تا با ارز خارجی، در بازار بعنوان شکر وارداتی به مصرف کننده برسانند. سراغ سازمانگران اعتصاب و اعتراض هفت تپه می‌افتند، حالا حساب جاری دوران بازنشستگی علی نجاتی را خالی می‌کنند، تا بدلیل مضیقه‌ی مالی، داروهای مصرفی این پایه‌گذار سندیکای نیشکر هفت تپه، قطع گردد و او را با مرگ تدریجی روبرو گردانند. این شیوه‌ی غیر انسانی آزار یادآور کلام سعدی شیرین سخن است که: «گاو و خران بار بردار، به ز آدمیان مردم آزار»

ستون و عمود خیمه‌ی نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی، دزدی‌ست و دزدی، ذات نظام سرمایه‌داری، دزدی از کارگران و ارزش‌های تولیدی آنان به نفع سرمایه‌داران و مالکانی

که مالکیت‌شان از بنیان غصبی و دزدی است. سال‌هاست که این نظام با همه‌ی ابزارهای سرکوبگری برای استثمار و بهره‌کشی غیرانسانی کارگران اعم از بازنشسته و غیره، زندگی آنان را به تباهی کشیده، میلیون‌ها تن را از کار، بیکار نموده است. بسیاری از آن‌ها را از حقوق اجتماعی خود محروم کرده تا جایی که طبقه‌ی کارگر ایران امروز در شرایط بسیار سخت و طاقت‌فرسایی زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کنند.

بی‌هیچ اغماض باید فریاد برآورد که نظام اینک جان ارزنده و زندگی سازنده‌ی علی‌نجاتی را هدف گرفته. می‌خواهد هزینه‌ی سنگین فعالیت سندیکایی را برای کارگران با تنبیه او نشان دهد. بر تمامی لایه‌های اردوی کار و زحمتکش‌ان ایران است که متحد و یک‌صدا از این فعال بازنشسته‌ی کارگری و سندیکایی حمایت کرده و بساط آزار جانوران درنده‌خوی حکومت اسلامی را برچینیم و مانع از آسیب رساندن به علی‌نجاتی و دیگر فعالان کارگری باشیم. این توطئه‌ی حکومت را با اتحاد و پشتیبانی از علی‌نجاتی، به عنوان نماد کارگر مقاوم و سازمانده که اینک با بستن حساب بانکی‌اش، حاصل اندوخته‌ی عمرش را نیز مانند سایر بازنشستگان به غارت برده‌اند، در هم بشکنیم.

به سامان رساندن زندگی این نیروی عظیم اجتماعی در گرو اتحاد و تقویت صف همگرایی برای شکستن قفل زندان‌های کشور است. در انجام این راه و مبارزه‌ی همگام با مردم ایران، خاصه طبقه‌ی رنج و کار جامعه، باید همه‌ی مدافعان تداوم وضع نابسامان و تخریب‌کننده‌ی موجود را در هر لباسی که هستند و با هر توجیهی که به میدان می‌آیند، رسوا نمود و به منتهی‌الیه جامعه راند.

بیش از هرروز، همچون کف دست برای مردم ما امروز روشن شده است که تنها راه رهایی از فقر و نداری، از نکبت و سیاهی، فریاد در کف خیابان است!

چهارشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۹ برابر با ۱۷ فوریه ۲۰۲۱